

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۶

پایه چهارم ۵ ساله
پایه ششم ۷ ساله

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مست باکس: ۹۰ دقیقه
شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کدام آزمون: ۲۹۵۱/۲۳	ترجیح: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵
عنوان: اصول فقه ۲	کتاب: دروس فی علم الاصول «الحلقه الثانية - ابروانی»
محدوده: از ابتدای حلقه ثانیه تا ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی (ص ۱۵۰-۸۷)	

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- کدام یک از مسائل، در علم اصول بحث می شود؟ ص ۸۹ و ۹۰

- الف. عدالت تک تک راویان حدیث ☐
- ب. وجوب تبعیت از معصوم ☐
- ج. ضرورت وحی و نبوت ☐
- د. حجیت احتمال و ظن ☒

۲- مراد از مرحله «اثبات» در احکام تکلیفی چیست؟ ص ۹۱

- الف. وصول الی المكلف ☐
- ب. تحقق الموضوع ☐
- ج. الابرار بالخطاب ☒
- د. اعتبار الحكم ☐

۳- چرا بر خلاف قطع تفصیلی، در «قطع اجمالی» ترخیص در تمام اطراف امکان عقلی دارد؟ ص ۱۰۰

- الف. لأن منجزية القطع معلقة مطلقاً ☐
- ب. لأنه لا يمكن مخالفة القطعية ☐
- ج. لأن الترخيص من الشارع ☐
- د. لأن اطرافه مشکوک ☒

۴- کدام یک از طلب های زیر موضوع له ماده «امر» می باشد؟ ص ۱۲۷

- الف. الطلب التشريعی من العالی حقيقة ☐
- ب. الطلب التشريعی من العالی مطلقاً ☒
- ج. الطلب التكوینی او التشريعی ☐
- د. الطلب التشريعی مطلقاً ☐

۵- چرا تقابل بین اطلاق و تقیید، تقابل تضاد نیست؟ ص ۱۳۵

- الف. لأن الاطلاق امر عدمی ☒
- ب. لأن الاطلاق امر وجودی ☐
- ج. لأن التقیید امر وجودی ☐
- د. لأن التقیید امر عدمی ☐

۶- بنابر نظر شهید صدر (ره) مفهوم جمله «کل شیء طاهر حتی تعلم انه نجس» کدام است؟ ص ۱۴۷

- الف. ان بعض معلوم النجس ليس بطاهر ☒
- ب. ان بعض مجهول النجس طاهر ☐
- ج. ان معلوم النجس ليس بطاهر ☐
- د. ان مجهول النجس طاهر ☐

۷- چرا شهید صدر (ره) اثبات منجزیت برای قطع را از طریق لازمه ذات بودن نمی پذیرد؟ توضیح دهید. ص ۹۷ - ۲ نمره

جواب: به نظر شهید صدر (ره) وقتی می گوئیم قطع منجز است مراد «قطع به تکلیف مولا» منجز است و معنای مولا یعنی کسی که حق طاعت برای او است یعنی کسی که امتثال تکلیفش واجب است و در صورت مخالفت، مستحق عقاب است و این همان معنای منجزیت است یعنی با فرض اینکه شخصی مولا است منجزیت ثابت است و دیگر نیاز نیست که بگوئیم منجزیت ذاتی قطع است بلکه لغو است زیرا معنایش این می شود قطع به تکلیف کسی که امتثالش واجب است امتثالش واجب است.

۸- در وجه عدم تبعیت دلالت التزامی از مطابقی گفته شده است «إن كلاً منّا وإن كان عن اللازم الأعمّ إلا أنه يمكن أن يدعى أن كل لازم أعم هو لازم مساوٍ»، این وجه را با ذکر یک مثال توضیح دهید. ص ۱۱۰ - ۲ نمره

جواب: هر لازم اعمی که به تبع مدلول مطابقی فهمیده می‌شود، لازم مساوی آن است، لذا با سقوط مدلول مطابقی و حجیت آن، لازم هم از حیث وجود و حجیت ساقط می‌شود، مثلاً کسی که از داخل شدن زید به آتش خبر می‌دهد و بالملازمه خبر از مطلق مرگ او ولو با سم نمی‌دهد؛ بلکه خبر از مرگ او که ناشی از داخل شدنش در آتش است می‌دهد، لذا اگر خبر از داخل شدن به آتش کذب باشد، مرگ ناشی از آتش هم کذب است و نمی‌تواند حجت باشد.

۹- مراد از «مدلول تصدیقی اول» و «مدلول تصدیقی ثانی» چیست؟ به همراه مثال توضیح دهید. ص ۱۱۴ - ۲ نمره

جواب: مدلول تصدیقی اول معنای لفظ است که متکلم قصد تفهیم و لقاء آن به ذهن مخاطب را دارد. [در معنایش استعمال شده است] اما مدلول تصدیقی ثانی معنای لفظ است که مراد جدی متکلم است. (۱ نمره) مثلاً وقتی فردی به شوخی می‌گوید: «هوا سرد است» این لفظ دلالت دارد بر اینکه متکلم قصد دارد، لفظ «هوا سرد است» را در معنای خودش استعمال کند هر چند واقعاً هوا سرد نیست و قصد شوخی دارد و در این صورت لفظ فاقد مدلول تصدیقی ثانی است زیرا در صورتی که مراد جدی شخص، رساندن معنای «هوا سرد است» می‌بود، این لفظ دارای مدلول تصدیقی ثانی بود. (۱ نمره)

۱۰- اشکال دور در «تبادر» را تقریب نمایید و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۱۱۹ و ۱۲۰ - ۲ نمره

جواب: اگر برای فهمیدن معنای حقیقی بخواهیم به تبادر مراجعه کنیم دور لازم می‌آید زیرا تبادر معنای حقیقی از لفظ متوقف بر این است که شنونده علم به وضع داشته باشد، و از طرفی علم به وضع متوقف بر تبادر است.

جواب شهید: تبادر متوقف بر علم به وضع نیست؛ بلکه بر واقع وضع است، یعنی متوقف بر قرن اکیدی است که در ذهن بین لفظ و معنا ایجاد شده است.

۱۱- مراد از «ایجاد بودن معانی حرفیه» و «اخطاری بودن معانی اسمیه» در نظر محقق نایینی (ره) را تبیین نمایید. ص ۱۲۴ - ۱ نمره

جواب:

اخطاری بودن معنای اسمی یعنی اینکه اسم دلالت بر معنای ثابت در ذهن متکلم قبل از تکلم دارد و نقش اسم اخطار آن معنا است. ایجاد بودن معنای حرفی یعنی حرف، ربط بین اجزاء کلام را ایجاد می‌کند در صورتی که قبلاً در ذهن ثابت نبود.

۱۲- مراد از قاعده «احترازیت قیود» را با مثال تبیین کرده، چه تفاوتی با اطلاق دارد؟ ص ۱۳۱ و ۱۳۲ - ۲ نمره

جواب: قاعده «احترازیت قیود» می‌گوید هر آنچه متکلم می‌گوید اراده کرده است [و به عبارت دیگر یعنی ظاهر حال هر متکلم عرفی این است که هر قیدی که در مراد استعمالی‌اش اخذ شده در مراد جدی‌اش دخیل است] (۱ نمره) مثلاً اگر مولا بگوید: «اکرم الانسان الفقیر» پس فقر در مراد جدی مولا دخیل است یعنی اگر انسان فقیر نباشد اکرامش واجب نیست. (۵/۰ نمره) با اطلاق تفاوت دارد زیرا اطلاق راجع است به اینکه آنچه را که متکلم نگفته است اراده نکرده است نه آنکه آنچه را گفته است اراده کرده است. (۵/۰ نمره)

۱۳- اگر منشأ انصراف، غلبه استعمال باشد، آیا می‌توان به اطلاق تمسک کرد؟ به تفصیل توضیح دهید. ص ۱۳۶ و ۱۳۷ - ۲ نمره

جواب: گاهی غلبه استعمال به حدی است که موجب وضع تعینی در حصه می‌شود (با نقل یا بدون نقل)، ولی گاهی به حدی است که صرفاً موجب انس بین لفظ و حصه می‌شود، در صورت اول نمی‌توان به اطلاق تمسک نمود زیرا لفظ مشترک لفظی است و نمی‌توان به اطلاق تمسک نمود و در صورت دوم نیز نمی‌توان به اطلاق تمسک نمود زیرا انس ذهنی ایجاد شده به واسطه غلبه استعمال، قرینه است که مانع از اطلاق‌گیری است.

۱۴- عبارت «و قد يقال: إنّ الاداة موضوعة لاصل اللزوم و العلية مستفادّة من تفریع الجزاء علی الشرط و الانحصار مستفاد من الاطلاق، اذ لو كانت هناك علة اخرى لقيّد الشرط بحرف (او) و عدم ذلك دليل العدم و هو معنى الانحصار» که در صدد اثبات «علت منحصره بودن جزاء برای شرط» می‌باشد، را تبیین نمایید. ص ۱۴۴ - ۲ نمره

جواب: برخی برای اثبات علت منحصره بودن شرط برای جزاء استدلال کرده‌اند که: ادات شرط برای لزوم بین شرط و جزاء وضع شده است و علت از تفریع جزاء بر شرط استفاده می‌شود (به عبارت دیگر علت، از مدلول وضعی فاء یعنی «تفرع» استفاده می‌شود) و انحصار از اطلاق شرط استفاده می‌شود، به این نحو که اگر علت دیگری غیر از این شرط (مجبی زید) برای جزاء (اکرام زید) موجود بود، شارع شرط را با علت دیگر به وسیله او مقید می‌نمود و وقتی شارع قید نیاورده است، از طریق اطلاق، عدم قید اثبات می‌شود یعنی علتی دیگر برای جزاء نیست و این یعنی علت منحصر بودن شرط.

۱۵- بحث «اثبات الملاك بالدلیل» به کدام بحث اصولی مرتبط است؟ به همراه مثال توضیح دهید. ص ۱۵۰ - ۲ نمره

جواب: بحث «اثبات الملاك بالدلیل» مرتبط است به بحث اینکه «آیا حجیت دلالت التزامی تابع دلالت مطابقی است؟» به این نحو که اگر تابع باشد، نمی‌توان ملاک را اثبات نمود ولی اگر تابع نباشد، می‌توان ملاک را اثبات نمود زیرا ملاک مدلول التزامی حکم است. مثلاً: اگر شارع به وجوب نماز حکم کند بالالتزام بر وجود ملاک دلالت می‌کند و اگر مثلاً هنگام عجز این حکم به وجوب، متفتی شود، در صورتی که قائل به عدم سقوط دلالت التزامی از حجیت شویم، می‌توان مثلاً قضاء نماز را بعد از برطرف شدن عجز اثبات نمود.